



بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای نفت خیز خاورمیانه

فرهاد غفاری^۱ - جابراکبری^۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۰/۸/۱۰

چکیده

سرمایه گذاری مستقیم خارجی با ورود خود به کشور میزبان علاوه بر تامین مالی پروژه های سرمایه گذاری، باعث تسریع در روند ارتقای فناوری، آموزش و افزایش بهره وری سرمایه انسانی، افزایش کیفیت و استاندارد کالاهای داخلی، گسترش تجارت با دیگر کشورها، کاهش بیکاری و در نهایت باعث افزایش تولید کل کشور میزبان می شود. با توجه به اهمیت جذب این نوع از سرمایه گذاری، در این تحقیق ضمن تجزیه و تحلیل^۳ FDI، به بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای نفت خیز خاورمیانه در طی دوره زمانی (۲۰۱۰-۱۹۹۵) میلادی با روش اقتصادسنجی داده های ادغام شده^۴ پرداختیم. نتایج تخمین و برآورد مدل تحقیق نشان می دهد درجه باز بودن اقتصاد و امنیت اقتصادی، اثر مثبت و معنی دار و عدم ثبات اقتصادی اثر منفی و معنی داری بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای مورد مطالعه دارد ولی اندازه بازار و نیروی کار به تنهایی اثر معنی داری بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در این کشورها ندارند.

طبقه بندی JEL: F21, N45, C23

واژگان کلیدی: سرمایه گذاری مستقیم خارجی، خاورمیانه، اقتصادسنجی داده های ادغام شده

^۱ استادیار دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (استاد راهنما)

^۲ دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان - (مسئول مکاتبات)

akbari.economy@yahoo.com

^۳ Foreign Direct Investment

^۴ Panel data

۱- مقدمه

تا قبل از دهه ۱۹۹۰ تفکر عمومی در کشورهای در حال توسعه این بود که هدف شرکتهای سرمایه گذار خارجی و چندملیتی تسلط بر این کشورها و غارت منابع آنهاست اما تجربه کشورهای در حال توسعه موفق و نیز نارسایی در اقتصاد کشورهایی که به ایجاد مانع برسر ورود FDI مبادرت ورزیده بودند منجر به تغییر دیدگاهها در مورد چنین شرکتهای و چنین سرمایه گذاری شد و کشورهای در حال توسعه در یک چرخش بزرگ اینبار سعی در جذب این نوع از سرمایه گذاری را کردند در مقابل شرکتهای سرمایه گذار خارجی نیز به دنبال رشد سریع تکنولوژی و افزایش هزینه های نوع آوری و ادغام اقتصاد جهانی الگوی رفتاری خود را تغییر داده و رویکرد سرمایه گذاری همراه با انتقال تکنولوژی را در پیش گرفتند.

همانطور که می دانیم تامین منابع مالی طرحها و ارتقا فناوری و تکنولوژی نقش محوری در فرایند توسعه اقتصادی دارند و تمامی کشورها بخصوص کشورهای در حال توسعه با درک این واقعیت و رفع ذهنیت منفی نسبت به آن سعی در تامین این دو عامل مهم اقتصادی دارند امروزه گزینه استقراض خارجی به دلیل بحرانهای ناشی از بازپرداخت آن جای خود را به سرمایه گذاری مستقیم خارجی داده است چراکه سرمایه گذاری مستقیم خارجی علاوه بر تامین مالی پروژه ها، اثرات مثبت اقتصادی دیگری بر شاخصهای کلان اقتصادی دارد از جمله: افزایش کیفیت کالاهای داخلی، افزایش صادرات، کاهش بیکاری، کاهش ریسک سرمایه گذاری (به سبب ایجاد تنوع در دارایی ها و ایجاد تنوع مکانی)، کاهش سطح قیمتها، کاهش هزینه نهایی سرمایه و افزایش هزینه های R&D^۱ و نیز افزایش تولید و رشد اقتصادی، آموزش و افزایش بهره وری سرمایه انسانی^۲ و ارتقای فناوری^۳.

نظر به اهمیت خاص در فرایند توسعه اقتصادی کشورها و، محققان زیادی به بررسی عوامل مؤثر بر ایجاد و جذب آن پرداختند که منجر به بسط مبانی نظری FDI گردید. مایر در کتاب از اقتصاد کلاسیک تا اقتصاد توسعه در زمینه اهمیت جذب FDI چنین می گوید:

^۱ نجارزاده و ملکی (۱۳۸۲)

^۲ Constantina and Thansis (2010)

^۳ Kathuri, (2001)

سرمایه خارجی یک عامل محرک است که از طریق القای اندیشه‌های جدید و از هم گسستن زنجیر عادت‌ها، حتی اگر وضعیت واقعی مردم را بهبود ندهد، خواسته‌های جدید در آنها ایجاد نموده و جاه طلبی و تفکر بیشتر درباره آینده را در آنها به وجود می‌آورد.^۱ لذا به دلیل اهمیت موضوع لازم دانستیم عوامل موثر بر جذب این شکل از سرمایه‌گذاری را شناسایی و بررسی کنیم نوآوری مقاله حاضر در این است که میزان تاثیر هر یک از عوامل موثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جامعه آماری کشورهای نفت خیز خاورمیانه، تاکنون بررسی نگردیده است. نگارش این مقاله بدین نحو بوده که ابتدا به تعریف واژگان اختصاصی تحقیق پرداخته و در ادامه پس از معرفی کل عوامل موثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به بیان مبانی نظری علل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی خواهیم پرداخت و در نهایت پس از شناسایی عوامل اقتصادی موثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و با استفاده از مبانی نظری، به معرفی مدل تحقیق تصریح و برآورد آن در حوزه کشورهای نفت خیز خاورمیانه در طی دوره (۲۰۰۹-۱۹۹۵) می‌پردازیم تا میزان و شدت تاثیر عوامل مهم اقتصادی بر جذب این نوع از سرمایه‌گذاری را شناسایی کنیم و در انتها پیشنهاد‌های سیاستی اقتصادی خود را بر اساس خروجی مدل تحقیق عنوان خواهیم کرد.

۲- تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی پژوهش

۲-۱- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، فرآیندی است که به وسیله آن، کشور میهمان^۲ با هدف کنترل تولید، توزیع و دیگر فعالیت‌های مربوطه، مالکیت دارایی‌ها را در کشور میزبان^۳ در بلند مدت به دست می‌آورد و تفاوت آن با سرمایه‌گذاری پرتفلیو این است که سرمایه‌گذاری پرتفلیو برخلاف سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کوتاه مدت بوده و شامل فعالیتهای اقتصادی نظیر نگهداری اوراق بهاداری مانند اوراق قرضه، سهام خارجی و دارایی

^۲ مایر، جرال.د.ام (۱۹۹۸)

^۲ Host country

^۳ Home country

های مالی است که شامل فعالیت مدیریتی، اعمال رای در تصمیم گیریها یا کنترل صادرکننده اوراق از سوی سرمایه گذار خارجی نمی شود.^۱

۳- ابعاد نظری علل سرمایه گذاری مستقیم خارجی

۳-۱- نظریه نرخ بازدهی متفاوت^۲

اصلی ترین عاملی که در انتقال سرمایه باید توجه شود بازدهی انتظاری است. بر اساس این نظریه همانگونه که در داخل یک کشور، سرمایه گذاری در فعالیتهای سودآورتر صورت می گیرد، اگر در کشور میزبان بازده انتظاری بالاتر از کشور میهمان باشد، سرمایه از کشور میهمان خارج و به کشور میزبان روی خواهد آورد.

این نظریه در اواخر دهه ۱۹۵۰ میلادی در جریان افزایش سرمایه گذاری مستقیم آمریکا در اروپا رواج پیدا نمود ولی در دهه ۱۹۶۰ تداوم نیافت علتش هم این بود که نرخ بازدهی اروپا در این دهه پایین تر از آمریکا شده بود از ضعف های عمده این نظریه این بود که قادر نبود در مورد کشورهایی که به طور همزمان شاهد ورود و خروج سرمایه بودند اظهار نظر نماید همچنین توزیع نامتوازن سرمایه گذاری در میان صنایع مختلف با این نظریه تبیین نمی شد.^۳

۳-۲- نظریه مناطق پولی^۴

برطبق این نظریه، شرکت هایی که کشورشان از پول قوی برخوردار باشند تمایل بیشتری به سرمایه گذاری خارجی دارند در مقابل احتمال اینکه شرکت های خارجی در داخل کشوری با پول قوی سرمایه گذاری کنند کمتر خواهد بود علت اینگونه رفتار به موضوع ((ریسک ارزی))^۵ بر می گردد چراکه شرکتهای کشوری که پول قوی دارد بهتر می توانند خود را از ریسک ارزی ناشی از نوسانات ارزی مصون دارند. بنابراین میتوان چنین گفت که پایین بودن ارزش پول همراه با جریان سرمایه گذاری به داخل و بالا بودن ارزش

^۱ رضایی (۱۳۸۹)

^۲ Differential Rates of Return

^۳ Agrawal.J.P.(1981)

^۴ Currency area

^۵ Foreign Exchange Risk

پول همراه با جریان سرمایه‌گذاری مستقیم به خارج خواهد بود. ضعفی که این نظریه دارد این است که این نظریه نمی‌تواند در مورد کشورهایی که ارزش پولی تقریباً یکسانی دارند اظهار نظر نماید.^۱

۳-۳- نظریه نقدینگی^۲

برطبق این نظریه رابطه مثبتی بین جریان های نقدی داخلی و مخارج سرمایه‌گذاری شرکت های تابعه شرکت های فرا ملیتی وجود دارد یعنی در صورت داشتن عملکرد بهتر بازار های مالی یک کشور، امکان سرمایه‌گذاری خارجی افزایش می‌یابد هرچند که ممکن است شرکت های کوچک و بزرگ رفتار متفاوتی داشته باشند.^۳

۳-۴- نظریه کوچیما^۴

طی مطالعاتی که کیوشی کوچیما انجام داد، به توضیح الگوهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی آمریکا و ژاپن در کشورهای در حال توسعه و پیامد این الگوهای سرمایه‌گذاری در بستر تجارت بین الملل و رفاه جهانی پرداخت. مطابق با نظریه کوچیما، FDI ابزار است برای انتقال تکنولوژی، سرمایه و مهارت های مدیریتی از کشور میهمان به کشور میزبان. براساس فرضیات و عقیده او دو نوع FDI موجود دارد:

۱- FDI با سمت گیری تجاری^۵

۲- FDI ضد سمت گیری تجاری^۶

۱- FDI با سمت گیری تجاری: در صورتیکه FDI باعث افزایش تقاضا برای واردات و افزایش عرضه صادرات شود دارای سمت گیری تجاری می‌باشد و در صناعی حادث می‌شود که کشور میهمان مزیت نسبی به آن صنایع را ندارد که این عامل باعث تسریع

¹ Agrawal.J.P.(1981)

² Liquidity

^۳ نجارزاده و دیگران (۱۳۸۴)

⁴ kojima Hypothesis

⁵ Trade Oriented

⁶ Anti-Trade Oriented

تجارت بین دوکشور میهمان و میزبان میشود بنابراین این نوع سرمایه گذاری مستقیم خارجی منجر به افزایش رفاه می گردد .

۲- FDI ضدسمت گیری تجاری: در صورتیکه FDI باعث افزایش تقاضا برای واردات و افزایش عرضه صادرات نشود دارای سمت گیری تجاری ضد می باشد و در صنایعی حادث می شود که کشور میهمان دارای مزیت نسبی به آن صنایع است که این عامل باعث تسریع تجارت بین دوکشور میهمان و میزبان نمی شود بنابراین این نوع سرمایه گذاری مستقیم خارجی منجر به کاهش رفاه می گردد.^۱

کوجیما اظهار می دارد که سرمایه گذاری مستقیم ژاپن با سمت گیری تجاری است دلیلش هم این است که ژاپنی ها به دلیل نداشتن مزیت نسبی در منابع طبیعی ، عمده سرمایه گذاری خود را براین منابع متمرکز کرده اند که این خود باعث افزایش کالاهای صادراتی و وارداتی می گردد در مقابل آمریکا به دلیل برخورداری از مزیت های مختلف منابع در اقتصاد خود ، در صنایعی اقدام به سرمایه گذاری میکنند که واردات را جایگزین کند.^۲

۳-۵- نظریه فرار مالیات^۳

از جمله عوامل موردنظر سرمایه گذاران در نقل و انتقال سرمایه بین کشورها، مالیات می باشد و دلیلش هم این است که سرمایه گذاران بیشتر به درآمد حاصل از سرمایه گذاری بعد از کسر مالیات توجه دارند تا درآمد مطلق ، بطوریکه چنانچه مالیات بردرآمد در کشوری بالا باشد انتقال سرمایه به آن کشور و سرمایه گذاری در آن حتی در صورت بازدهی بالا ، کاهش می یابد. براساس این نظریه سرمایه گذاری خارجی به دلیل فرار از مالیات در کشور میهمان و معافیت های مالیاتی در کشور میزبان انجام می شود.^۴ لذا یکی

¹ Kojima(1973)

² Kojima(1985)

³ Tax Break Theory

⁴ June (1989)

از عاملهایی تشویق سرمایه‌گذاری خارجی سیاست مالیاتی در کشور میزبان نظیر معافیت مالیاتی می‌باشد.^۱

۳-۶- نظریه چرخه تولید^۲

این نظریه در حقیقت توجیه گر فعالیت بنگاههای فراملیتی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم بود. فرض اساسی این نظریه این است که کالاهای تولیدی یک بنگاه تابع یک چرخه حیاتی است بدین گونه که تولید بنگاه در ابتدا بعنوان یک نوع آوری تلقی میشود ولی پس از مدتی در معرض رقابت تولید قرار می‌گیرد که منجر به تولید کالای استاندارد در آن کشور می‌گردد با افزایش رقابت و بهره برداری، بنگاهها در مقابل خطر از دست دادن بازار محصول خود، به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی روی آورده و در فراسوی مرزهای آن کشور بازار جدید برای خود ایجاد می‌کنند.^۳

۵-۷- نظریه درونی کردن^۴

در این تئوری وجود سرمایه‌گذاری خارجی، ناشی از جایگزین نمودن نقل و انتقالات درونی توسط بنگاههای اقتصادی به جای نقل و انتقالات بازار، بین بنگاه های اقتصادی می‌باشد. این موضوع به نوبه خود بعنوان یک راه‌گریز از نقایص بازارها در مورد نهاده های واسطه‌ای مطرح می‌شود.^۵

از طرفی دیگر یک شرکت می‌تواند دانش فنی و اختراعات خود را به دیگر واحدهای اقتصادی به فروش برساند اما به صلاح این کشور است که از این معامله به صورت بازاری استفاده نکرده بلکه خود در آن کشور سرمایه‌گذاری کند.^۶

در حقیقت این نظریه تاکید بر این موضوع دارد که در صورت وجود هزینه های معاملاتی بازاری، از نقل و انتقالات درونی استفاده می‌شود که در صورت محقق شدن،

^۱ ملکی (۱۳۸۲)

^۲ Produce Cycle

^۳ Vernon(1979)

^۴ InterNalization Scool

^۵ Lizando(1990)

^۶ Williamson(1975)

هویت بنگاه از بازار جدا شده و کوشش برای رسیدن با کارایی بنگاه، انگیزه اصلی سرازیر شدن منابع سرمایه ای به بازارهای خارجی می شود.

۳-۸- نظریه سازمان صنعتی

هایمر در سال ۱۹۷۶ به این نتیجه رسید که علت وجود شرکتهای چند ملیتی به وجود بازارهای ناقص بر می گردد. وی دو نقیصه بازار را مورد توجه قرار داده است: نقایص ساختاری و نقایص هزینه معاملاتی. نقایص ساختاری به شرکتهای چند ملیتی در جهت افزایش قدرت بازاری کمک می کند لذا با ایجاد شرکتهای چند ملیتی و توزیع تولید در چند نقطه، صرفه جوئی های ناشی از مقیاس، مزایای دانش، شبکه های توزیع، تنوع بخشی به محصول و مزایای اعتباری پدید می آید. از طرف دیگر هزینه معاملاتی برای شرکت های چند ملیتی، جایگزین نمودن بازار داخلی به جای بازار خارجی را سود آور می نماید.^۱

این نظریه توسط گراهام و کروگمال (۱۹۸۹) برای تبیین رشد سرمایه گذاری مستقیم خارجی در آمریکا بکاررفته است. براساس نظریات آنان، دلیل افزایش سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایالات متحده این بوده است که به دلیل کاهش مزیت نسبی تکنولوژی و مدیریتی شرکت های آمریکایی نسبت به دهه های گذشته، شرکتهای خارجی قدرت رقابت در بازار آمریکا را با شرکتهای آمریکایی پیدا کرده اند لذا وارد این کشور شده اند. انتقاده وارده بر این تئوری این است که این نظریه مشخص نمی کند که چرا داشتن بعضی مزایا و قدرت رقابت به شکل FDI بروز پیدا میکند در حالیکه شرکتهای می توانستند به طرق مختلف از جمله عرضه و فروش مهارتهای فنی تولید به شرکتهای داخلی و یا صادرات کالا عمل کنند.^۲

۳-۹- نظریه عوامل تولید ارزان قیمت

در کشورهای توسعه یافته، به دلیل مکانیزه بودن فعالیت بنگاهها و استفاده از صنایع سرمایه بر و قیمت بالای نیروی کار، هزینه تولید نهایی بالاست ولی در کشورهای در حال

^۱ رضایی (۱۳۸۹)

^۲ ترابی و محمزه اصل (۱۳۸۹)

توسعه به دلیل ارزانی مواد اولیه، نیروی کار و کمبود سرمایه از صنایع کاربر استفاده می‌شود در نتیجه هزینه تولید نهایی در کشورهای در حال توسعه پایین تر از هزینه تولید نهایی در کشورهای توسعه یافته است.^۱

۴- پیشینه تحقیق

مطالعات عمده داخلی و خارجی صورت گرفته در این زمینه بدین شرح است: درگاهی^۲ در مطالعه خود در سال ۱۳۸۵ به بررسی تجربی و تئوریک عوامل موثر بر توسعه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (با تاکید بر ایران) پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اندازه بازار، درجه باز بودن اقتصاد، سرمایه انسانی (ورود به مدارس متوسطه) و درجه توسعه و رشد اقتصادی اثر مثبت در جذب FDI دارند.

در مطالعه ای در سال ۱۳۸۵ گوگردچیان و طیبی^۳ اثر عوامل موثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در صنایع پتروشیمی ایران را با استفاده از روش داده‌های تابلویی برای دوره (۱۳۸۱-۱۳۷۲) برآورد کرده‌اند که نتایج این مطالعه بیانگر تأثیرگذاری عواملی مانند: سود آوری، اندازه اقتصادی صنعت و مخارج تحقیق و توسعه بر جلب سرمایه‌های خارجی در صنعت پتروشیمی ایران دارد.

در مطالعه دیگری در سال ۲۰۰۱، لیو، سونگ و روملی^۴ و نیز در سال ۱۹۹۷، سوین و وانگ^۵ به بررسی عوامل موثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در چین به روش سری زمانی پرداخته‌اند که نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ارزانی نیروی کار عامل مهم جذب FDI از هنگ کنگ به چین بوده است و عواملی همچون نرخ ارز و اندازه بازار (که با شاخص تولید ناخالص داخلی سنجیده می‌شود) نیز در جذب FDI در چین موثر بوده‌اند. در مطالعه دیگری هانس کریستیانسن و دیگران^۶ به بررسی تجربی و تحلیلی عوامل موثر بر جذب FDI در برزیل پرداخته‌اند و عاملهای تشویقی همچون کمک‌های مالی و

^۱ ملکی و نجارزاده (۱۳۸۲)

^۲ درگاهی (۱۳۸۵)

^۳ گوگردچیان (۱۳۸۵)

^۴ Liu, X and et al (2001)

^۵ Swain, N.J., Wang, Z (1997)

^۶ Christiansen, Hans and et al (2003)

تخفیف مالیاتی و گسترش زیرساخت‌ها نظیر جاده و راه آهن را عامل اصلی جذب شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی همچون شرکت مرسدس بنز در چین دانسته‌اند.

۵- جمع‌بندی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

بطور کلی این عوامل را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم‌بندی کرد:

الف- عوامل اقتصادی: به دلیل ماهیت موضوع مورد مطالعه، ما در این تحقیق به بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر جذب FDI که با شاخصهای کمی اقتصادی قابل بیان بوده و داده‌های آنها برای جامعه آماری مورد مطالعه موجود بود، پرداخته‌ایم که شامل عوامل زیر است:

الف-۱) عوامل ساختاری: شامل زیرساختهای اقتصادی مانند راه‌ها، بنادر، سیستم‌های ارتباطی و نیز عواملی تاثیرگذاری مانند درجه آزادی اقتصادی، گستردگی اندازه بازار کشور، ارزانی نیروی کار و همچنین امنیت اقتصادی کشور میزبان می‌باشد.

الف-۱-۱) درجه آزادی اقتصاد: سیاستهای بسته اقتصادی باعث ایجاد مانعی بزرگ بر سر راه دسترسی به بازارهای مالی و فناوریهای نوین جهانی است و کشورهای در حال توسعه با درک این واقعیت دست به اصلاح ساختار و سیاستهای خویش جهت تسهیل ارتباطات و تبادلات تجاری زده‌اند. تجارت کشورهای در حال توسعه با کشورهای پیشرفته به لحاظ فناوری باعث می‌شود کشورهای در حال توسعه از فواید هزینه‌های تحقیق و توسعه کشورهای پیشرفته برخوردار شوند، یعنی با واردات کالاهای سرمایه‌ای با دانش فنی پیشرفته و تحقیق بر روی آنها و بومی کردن آن می‌توانند سریعتر سطح دانش فنی خود را ارتقا دهند. افزون بر این، افزایش درجه بازبودن اقتصاد از طریق گسترش رقابت بین بنگاههای داخلی و خارجی به بهبود بهره‌وری بنگاهها کمک میکند، یعنی بنگاههای داخلی انگیزه بیشتری برای ارتقای کارایی خود برای بقا در بازار خواهند داشت در مطالعات اقتصادی برای تخمین مدل تحقیق معمولاً^۱ از تقسیم مجموع ارزش صادرات و واردات به کل GDP برای تعیین شاخص درجه آزادی اقتصاد استفاده می‌شود.^۱

^۱ درگاهی (۱۳۸۵)

الف-۱-۲)- اندازه بازار: اقتصاد با مقیاس وسیع انگیزه سودآوری و سرمایه‌گذاری خارجی را افزایش می‌دهد چراکه در این صورت بهره‌وری فن‌آوری و سرمایه‌گذاری بیشتر می‌گردد. اقتصاد بزرگتر در حقیقت پشتیبان فعالیت‌های اقتصادی است و نویدبخش تنوع سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاران است که این امر از ریسک سرمایه‌گذاری نیز خواهد کاست. در بیشتر مطالعات اقتصادی جهت تخمین مدل تحقیق از میزان تولید ناخالص ملی هر کشور بعنوان شاخص اندازه بازار استفاده می‌شود.^۱

الف-۱-۳)- امنیت اقتصادی: ایجاد بسترهای امنیتی سیاسی، اجتماعی و حقوقی لازم که در چارچوب آن سرمایه‌گذار اطمینان به برگشت اصل و سود سرمایه خود داشته باشد منجر به ایجاد فضای امن اقتصادی خواهد شد و در این صورت اولاً: سرمایه‌گذاران داخلی بازار داخلی را به بازارهای خارجی ترجیح خواهند داد و ثانیاً "بکارگیری سرمایه‌های داخلی در فعالیتهای داخلی، سیگنالی به سرمایه‌گذاران خارجی جهت نشان دادن امنیت اقتصادی در کشور میزبان خواهد داد همچنانکه فرار سرمایه‌های داخلی نشانی از عدم امنیت اقتصادی برای سرمایه‌گذاران خارجی است بدین لحاظ میتوان از میزان سرمایه‌گذاری داخلی به عنوان شاخصی از گروه شاخص امنیت اقتصادی استفاده کرد. دلیل انتخاب این متغیر بعنوان شاخص امنیت اقتصادی را میتوان به بیان دیگر چنین گفت: [این متغیر از آن جهت (در گروه شاخصهای امنیت اقتصادی) در نظر گرفته می‌شود که اولاً" به عنوان متغیر اصلی در مدل‌های رشد کلاسیک محسوب می‌شود و ثانیاً" نرخ سرمایه‌گذاری داخلی بازتابی از گراتیش مردم برای کسب و کار و اعتماد آن‌ها به آینده اقتصاد است. این متغیر همچنین اطلاعاتی از محیط سرمایه‌گذاری در کشور مقصد ارایه می‌نماید. انتظار بر این است که رابطه مثبتی بین سرمایه‌گذاری داخلی و جریان سرمایه‌گذاری خارجی باشد.]^۲

الف-۱-۴)- سرمایه انسانی: با پیچیده شدن فرآیند تولید کالاها و خدمات در جهان، وجود نیروی کار غیر ماهر دیگر مزیت به شمار نمی‌رود لذا کشورهایی در جذب FDI

^۱ همان منبع

^۲ ترابی و محمدزاده اصل (۱۳۸۹)

موفق هستند که از نیروی کار آموزش دیده برخوردار باشند^۱. وجود نیروی کار ارزان قیمت و نیز نیروی کار آموزش دیده بعنوان محرکی جهت جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی عمل می کند چراکه ارزانی نیروی کار هزینه های تولید را کاهش می دهد و نیروی کار آموزش دیده زمینه بکارگیری و انتقال فناوری نوین را فراهم می آورد بدین خاطر کشورهای در حال توسعه در راستای جذب این نوع از سرمایه گذاری، به بهبود زیرساخت های آموزشی و تأکید ویژه بر گسترش دانش و تربیت و آموزش نیروی کار همت گمارده اند.

الف-۲) عوامل سیاستگذاری: شامل سیاستهای پولی، مالی و ارزی در جهت ایجاد ثبات اقتصادی از طریق کنترل تورم و نرخ ارز و نیز کاهش میزان ریسک سرمایه گذاری می باشد. آشفستگی بازار داخلی و برهم خوردن تعادلهای اقتصادی و نوسان متغیرهای کلان اقتصادی از جمله شاخص قیمت منجر به بی ثباتی اقتصاد داخلی خواهد شد و سرمایه گذار خارجی در پیش بینی سود و زیان سرمایه گذاری خود دچار سردرگمی شده و در میزان سرمایه گذاری خویش مردد خواهد بود پس ثبات اقتصادی لازمه جذب سرمایه گذار خارجی خواهد بود یکی از متغیرهایی که میتوان بعنوان شاخص ثبات اقتصادی استفاده کرد نرخ تورم در هر کشور است چراکه ثبات تقریبی قیمتها، فضای با ثباتی را برای پیش بینی سود حاصل از سرمایه گذاری به وجود خواهد آورد^۲.

ب- عوامل غیراقتصادی: این عوامل به سه دسته عوامل طبیعی، سیاسی و حمایتی تقسیم می شوند که عوامل طبیعی شامل دو عامل منابع طبیعی (مانند منابع معدنی و منابع اولیه تولید) و موقعیت جغرافیائی (مانند دسترسی به گذرگاههای تجاری) می باشد، عوامل سیاسی نیز دهنده تعاملات سیاسی بین کشورهای میهمان و میزبان سرمایه گذاری مستقیم می باشد و عوامل حمایتی و تشویقی نیز در حقیقت بیانگر نحوه اعطای حمایتهای خاص و امتیازاتی است که به سرمایه گذاران خارجی داده می شود^۳.

^۱ نجارزاده و دیگران (۱۳۸۴)

^۲ درگاهی (۱۳۸۵)

^۳ بهکیش، محمد مهدی (۱۳۸۶)

۷- ارائه مدل اولیه و روش تحقیق

با توجه به مبانی نظری ارائه شده منجمله نظریه های اندازه بازار، نرخ بازدهی متفاوت و عوامل تولید ارزان قیمت و نیز مطالعات صورت گرفته قبلی در جوامع آماری گوناگون و همچنین مطالب عنوان شده در بخش عوامل مؤثر بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی، جذب FDI را تابعی از عوامل: ثبات اقتصادی، درجه باز بودن اقتصاد، اندازه بازار، توسعه نیروی انسانی و نیروی کار و امنیت اقتصادی در نظر گرفته و فرض می کنیم عوامل فوق بر جذب FDI در حوزه کشورهای نفت خیز خاورمیانه مؤثر هستند می‌خواهیم میزان و جهت اثر هر یک از عوامل فوق را پیدا کنیم بدین منظور ابتدا مدل اولیه تحقیق را معرفی کرده و پس از برآورد و تصریح مدل اولیه، به برآورد مدل نهایی تحقیق می پردازیم.

$$fdi = f(\dot{p}, opn, gdp, hdi, l, k) \quad (1)$$

$$fdi = \dot{p}^{\alpha} opn^{\beta} gdp^{\gamma} hdi^{\delta} l^{\epsilon} k^{\theta} \Rightarrow (2)$$

$$\ln fdi = \alpha \ln \dot{p} + \beta \ln opn + \gamma \ln gdp + \delta \ln hdi + \epsilon \ln l + \theta \ln k \Rightarrow (3)$$

$$d \ln fdi = \alpha d \ln \dot{p} + \beta d \ln opn + \gamma d \ln gdp + \delta d \ln hdi + \epsilon d \ln l + \theta d \ln k \Rightarrow (4)$$

$$g fdi_{it} = \alpha g \dot{p}_{it} + \beta g opn_{it} + \gamma g gdp_{it} + \delta g hdi_{it} + \epsilon g l_{it} + \theta g k_{it} + \varepsilon_{it} \Rightarrow$$

که در این معادله:

fdi: سرمایه گذاری مستقیم خارجی

p: تورم بعنوان شاخص ثبات اقتصادی

opn: شاخصی است که نشان‌دهنده درجه باز بودن اقتصاد است و از تقسیم مجموع ارزش صادرات و واردات به کل **gdp** به دست می‌آید.

gdp: تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۲۰۰۰ بر اساس دلار آمریکا بعنوان

شاخص اندازه بازار

hdi: شاخص توسعه سرمایه انسانی

۱: نیروی کار

۲: سرمایه گذاری ناخالص داخلی بعنوان شاخص امنیت اقتصادی

پیشوند g : نشانگر رشد متغیر مورد نظر است

ε_{it} : جزء خطای تصادفی مدل

i, t : به ترتیب نشان دهنده کشور و زمان می باشند.

هدف اصلی این تحقیق بررسی اثر عوامل موثر اقتصادی بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای نفت خیز خاورمیانه با تخمین و برآورد به روش اقتصادسنجی داده های ادغام شده در بازه زمانی (۲۰۰۹-۱۹۹۵) میلادی می باشد. مجموعه داده های ادغام شده به دلیل داشتن تعداد بیشتر داده ها، تعداد کمتر فرضیه های مقید کننده، نداشتن ویا کاهش مسئله همخطی، تصریح و برآورد ساختارهای عمومی تر و پویاتر و کاهش تورش برآورد، مزیت عمده ای نسبت به داده های مقطعی و سری زمانی دارد. به منظور تخمین مدل تحقیق لازم است تا نوع روش تخمین پانل دیتا تعیین شود. بنابراین، ابتدا برای تعیین وجود (یا عدم وجود) عرض از مبدأ جداگانه برای هر یک از کشورها از آماره F استفاده می شود. پس از مشخص شدن اینکه عرض از مبدأ برای کشورهای مختلف یکسان نیست، باید این فرضیه را آزمون کنیم که برای تخمین مدل از روش اثرات ثابت استفاده کنیم یا از روش اثرات تصادفی بدین منظور از آزمون هاسمن استفاده می شود. داده های مربوط به متغیرهای مورد مطالعه از لوح فشرده بانک اطلاعاتی بانک جهانی (۲۰۱۱) و گزارشهای UNCTAD استخراج گردیده است. لازم به ذکر است که با توجه به عدم وجود آمار و اطلاعات برخی از کشورهای منطقه خاورمیانه، برای همگن نمودن آمار و اطلاعات، از اطلاعات ۶ کشور این منطقه شامل: ایران، عربستان، مصر، کویت، عمان و یمن استفاده شده است.

۸- برآورد و ارزیابی مدل اولیه تحقیق

۸-۱- آزمونهای صورت گرفته جهت تخمین و برآورد مدل

بعد از تصریح مدل اقتصادسنجی، در این قسمت از تحقیق با جمع آوری اطلاعات و داده های مورد نیاز مدل ، بعد از انجام آزمونهای لازم ، به تخمین و برآورد آن خواهیم پرداخت. لازم به ذکر است به علت عدم وجود داده های سالانه برای شاخص hdi در جامعه آماری مورد مطالعه، این شاخص از الگوی مدل کنارگذاشته شد.

۸-۱-۱- آزمون ریشه واحد پانل برای ایستایی متغیرها

در تخمین مدل هایی که بصورت سری زمانی هستند قبل از انجام تخمین و برآورد بایستی مانایی متغیرهای استفاده شده در مدل بررسی گردد و بعد از اطمینان از مانا بودن متغیرها تخمین انجام می شود اما در مدل هایی که بصورت پانل هستند اغلب مشکل نامانایی متغیرها وجود ندارد .

۸-۱-۲. آزمون F جهت شناسایی مدل تحقیق اولیه تحقیق

آماره F مدل تحقیق برای رگرسیون غیر مقید و مقید (به ترتیب اثرات ثابت و حداقل مربعات معمولی) که با استفاده از نرم افزار Eviws 6 بدست آمده به شرح ذیل می باشد:

جدول (۱)- آزمون F جهت شناسایی مدل اولیه تحقیق

احتمال	درجه آزادی	آماره F
۰/۰۰۰۰	(۴ و ۲۹)	۲۹/۹۶۶۹۲۹

منبع: محاسبات تحقیق

از آنجایی که آماره F با درجه آزادی (۴ و ۳۰) در سطح احتمال بالای ۹۵ درصد از لحاظ آماری معنی دار است، فرضیه H_0 رد شده و باید عرض از مبداهای مختلفی را در برآورد لحاظ نمود. پس از مشخص شدن اینکه عرض از مبدأ برای کشورهای مختلف یکسان نیست، باید این فرضیه را آزمون کنیم که برای تخمین مدل از روش اثرات ثابت

استفاده کنیم یا از روش اثرات تصادفی؟ بدین منظور از آزمون هاسمن استفاده خواهیم کرد.

۸-۱-۳- آزمون هاسمن: انتخاب بین اثرات ثابت^۱ یا تصادفی^۲

نتایج بیان شده در جدول (۲) نشان می‌دهد فرضیه H_0 رد شده و اثر ثابت پذیرفته می‌شود.

جدول (۲)- آزمون هاسمن جهت انتخاب بین اثرات ثابت و تصادفی مدل اولیه

احتمال	درجه آزادی	آماره کای دو
۰/۰۰۰۱	۵	۲۰/۴۵۱۳۱۹

منبع: محاسبات تحقیق

۸-۲- تخمین و برآورد مدل اولیه تحقیق

همانطور که در قسمت های قبلی عنوان شد بهترین نوع برآورد مدل، براساس آماره F و هاسمن، اثرات ثابت انتخاب شد. نتایج برآورد مدل بصورت زیر گزارش می‌شود: نتایج حاصل از تخمین مدل به روش اثرات ثابت در جدول (۳) نشان داده شده است. صحت نتایج ارائه شده در جدول بالا با توجه به آماره های R^2 و R^2 تعدیل شده مورد تأیید می‌باشد. تمام ضرایب بدست آمده برای متغیرهای تحقیق با تئوری های اقتصادی ویا با واقعیت های اقتصادی موجود در کشورهای مورد مطالعه سازگاری دارند.

همانطوریکه مشاهده می‌شود درجه بازبودن اقتصاد و وجود امنیت اقتصادی تاثیر مثبت و معنی دار و عدم ثبات اقتصادی که با شاخص تورم بیان شده تاثیر منفی و معنی داری بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی دارند که با تئوریهای موجود و واقعیتهای اقتصادی سازگار است حال آنکه اندازه بازار و نیروی کار اثر معنی داری بر FDI ندارد که این امر با واقعیتهای موجود در اقتصاد کشورهای این حوزه سازگار است یکی از دلایل این امر می‌توان به عدم وجود زیرساختهای اقتصادی مناسب در کشورهای این منطقه

¹ Fixed Effects

² Random Effects

اشاره کرد که باعث کاهش تمایل سرمایه‌گذاران خارجی به سرمایه‌گذاری در این کشورها (با وجود بازار نسبتاً بزرگ) شده است. در توجیه اثر بی‌معنی نیروی کار بر جذب FDI نیز می‌توان گفت که نیروی کار به تنهایی قادر به ایفای نقش در روند جذب FDI نیست چراکه لازمه تاثیر مثبت وجود نیروی کار آموزش دیده متناسب با فناوریهای نوین است.

جدول (۳) - مدل اولیه - بررسی اثر عوامل موثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای نفت خیز خاورمیانه

متغیر وابسته : رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی			
متغیرهای توضیحی	تخمین مدل به روش اثرات ثابت		
	ضرایب	آماره t	احتمال
ضریب ثابت	-۰/۱۵۰۴۰۹	-۱۰/۵۶۱۵۰	۰/۰۰۰۰
تورم (شاخص ثبات اقتصادی)	-۰/۰۰۱۶۱۲	-۶/۴۶۴۳۱	۰/۰۰۰۰
درجه باز بودن اقتصاد	۰/۰۲۷۱۱۵۲	۱۱/۲۶۷۹۹	۰/۰۰۰۰
شاخص امنیت اقتصادی	۰/۰۴۷۳۸۶	۱/۹۶۱۳۹۹	۰/۰۵۴۷
اندازه بازار	۰/۱۵۰۱۴۵	۱/۶۶۹۷۷۳	۰/۵۰۴۷۴
نیروی کار	۰/۲۲۹۰۴۲	۱/۶۱۴۰۱۷	۰/۱۱۵۵
R^2	۰/۷۹۴۲۶۵		
R^2 تعدیل شده	۰/۷۴۱۳۶۱		
آماره دوربین واتسن	۱/۶۶۲۲۵۸		
F-statistic	۱۵/۰۱۳۵۱	۰/۰۰۰۰۰۰	

منبع : محاسبات تحقیق

۹- ارائه و برآورد مدل نهایی تحقیق

با توجه به نتایج حاصله از مدل اولیه تحقیق، به تصریح مدل اولیه تحقیق پرداخته و FDI را تابعی از (INFL) شاخص ثبات اقتصادی، (OPN) شاخص درجه باز بودن اقتصاد و (K) شاخص امنیت اقتصادی در نظر می‌گیریم پس از انجام آزمون F مشخص گردید

عرض از مبدا برای کشورهای مورد مطالعه یکسان نیست و با انجام آزمون هاسمن مناسب ترین الگوی مدل، الگوی اثرات ثابت شناخته شد در ادامه به برآورد مدل نهایی پرداختیم که نتایج خروجی به شرح جداول زیر گزارش می گردد:

جدول (۴) - آزمون F جهت شناسایی مدل نهایی تحقیق

احتمال	درجه آزادی	آماره F
۰/۰۰۰۰	(۴ و ۴۱)	۳۳/۲۲۰۷۶۳

منبع: محاسبات تحقیق

جدول (۵) - آزمون هاسمن جهت انتخاب بین اثرات ثابت و تصادفی مدل نهایی

احتمال	درجه آزادی	آماره کای دو
۰/۰۰۵۰	۳	۱۲/۹۱۲۰۳۹

منبع: محاسبات تحقیق

جدول (۶) - مدل نهایی - بررسی اثر عوامل موثر بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در

کشورهای نفت خیز خاورمیانه

متغیر وابسته: رشد سرمایه گذاری مستقیم خارجی			
تخمین مدل به روش اثرات ثابت			
متغیرهای توضیحی	ضرایب	آماره t	احتمال
ضریب ثابت	-۰/۱۴۸۴۴۲۲	-۹/۹۰۹۸۱۱	۰/۰۰۰۰
تورم	-۰/۰۰۱۴۶۱	-۶/۸۴۲۴۰۴	۰/۰۰۰۰
درجه باز بودن اقتصاد	۰/۲۸۲۴۸۵	۱۰/۵۵۲۶۳	۰/۰۰۰۰
توسعه بازاری مالی	۰/۰۴۴۱۹۴	۲/۱۶۹۷۴۱	۰/۰۳۵۹
R ²	۰/۷۹۳۵۲۲		
R ² تعدیل شده	۰/۷۵۸۲۷۰		
آماره دوربین واتسن	۱/۰۶۳۰۰۹۳		
F-statistic	۲۲/۵۰۹۷۷	۰/۰۰۰۰۰۰	

منبع: محاسبات تحقیق

نتایج حاصل از تخمین مدل به روش اثرات ثابت در جدول (۶) نشان داده شده است. صحت نتایج ارائه شده در جدول بالا با توجه به آماره های R^2 و R^2 تعدیل شده مورد تأیید می باشد. تمام ضرایب بدست آمده برای متغیرهای تحقیق با تئوری های اقتصادی موجود سازگاری دارند.

همانطوری که پیش بینی می گردید اثر رشد تورم بر رشد جذب FDI منفی و معنی دار است در حقیقت بروز و تداوم تورم نشانگر بی ثباتی اقتصادی هر کشوری است و در این شرایط مخاطرات اصل و سود سرمایه خارجی افزایش می یابد واضح است این شرایط مانعی بر جذب FDI خواهد بود. مقدار و سطح اطمینان بالای معنی داری ضریب متغیر درجه بازبودن اقتصاد (OPN) در مدل برآوردی بیانگر این است که با افزایش یک درصدی این شاخص FDI به شدت افزایش می یابد

وجود امنیت اقتصادی نیز اثر مثبت و معنی داری بر رشد جذب FDI دارد در حقیقت چنانچه پس اندازه‌ها و انباشت سرمایه داخلی در بازار داخلی جریان داشته باشد می تواند باعث اطمینان سرمایه گذاران خارجی از وجود امنیت اقتصادی در کشور میزبان و ترغیب آنان به سرمایه گذاری باشد.

۱۰- جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

با توجه به اینکه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثرات مثبتی مانند کسب دارایی، انتقال فناوری و تکنولوژی، معرفی فرآیندهای جدید، تقویت توان مدیریتی، آموزش کارکنان و دسترسی به بازارهای خارجی و بطور کلی اثر مثبتی در روند توسعه کشورها دارد و برنامه ریزی برای جذب در سالهای اخیر مورد توجه دولتها قرار گرفته است در این تحقیق در صدد برآمدیم تا اثر عوامل اقتصادی مؤثر بر جذب آن در کشورهای نفت خیز خاورمیانه را شناسایی و کشش هرکدام از عوامل را با استفاده از داده های بازه زمانی (۱۹۹۵ تا ۲۰۰۹) با استفاده از روش اقتصادسنجی داده های ادغام شده برآورد نمائیم که نتایج تخمین مدل حاکی از اثر مثبت و معنی دار درجه باز بودن اقتصاد و امنیت اقتصادی و نیز اثر منفی و معنی دار بی ثباتی اقتصادی بر جذب این نوع از سرمایه گذاری در کشورهای مورد مطالعه است همانطوری که پیش بینی می گردید اثر تورم بر رشد جذب

FDI منفی و معنی دار است در حقیقت رشد تورم نشانگر بی ثباتی اقتصادی هر کشوری است و در این شرایط مخاطرات اصل و سود سرمایه خارجی افزایش می یابد واضح است این شرایط مانعی بر جذب FDI خواهد بود. مقدار وسط اطمینان بالای معنی داری ضریب متغیر درجه بازبودن اقتصاد (OPN) در مدل برآوردی بیانگر این است که با افزایش یک درصدی این شاخص FDI به شدت افزایش می یابد یا به بیان دیگر جریان ورودی FDI نسبت به درجه باز بودن اقتصاد با کشش است دلایل این تاثیر مثبت را می توان اثر سرریز تحقیق و توسعه خارجی به شکل انتقال فناوری از طریق واردات کالاهای سرمایه ای با تکنولوژی پیشرفته به کشورهای در حال توسعه خاورمیانه دانست. وجود امنیت اقتصادی نیز اثر مثبت و معنی داری بر رشد جذب FDI دارد در حقیقت چنانچه پس اندازه و انباشت سرمایه داخلی در بازار جریان داشته باشد می تواند یک عامل تسهیل و تهییج کننده برای سرمایه گذاری خارجی باشد.

فهرست منابع

- ۱) تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان اسلام، ترجمه: فرجادی، غلامعلی، تهران، نشر کوهسار، ۱۳۸۷.
- ۲) برانسون، ویلیام اچ، تنوری و سیاستهای اقتصاد کلان، ترجمه: عباس شاکری، تهران، نشر نی، ۱۳۷۶.
- ۳) بهکیش، محمد مهدی، اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، نشر نی، ۱۳۸۶.
- ۴) بی اسنودان، اچ ویچو پی وینار کوویچ، راهنمای نوین اقتصاد کلان، ترجمه: منصور خلیلی عراقی، علی سوری، تهران، انتشارات برادران، ۱۳۸۷.
- ۵) درگاهی، حسن، عوامل مؤثر بر توسعه سرمایه گذاری مستقیم خارجی درس هایی برای اقتصاد ایران، فصلنامه علمی پژوهشی شریف، شماره ۳۸، ص ۷۳-۵۷، زمستان ۱۳۸۵.
- ۶) رومر، دیوید، اقتصاد کلان پیشرفته، ترجمه: مهدی تقوی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، جلد اول، ۱۳۸۳.
- ۷) رضایی، مهدی، عوامل مؤثر بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در صنایع ایران، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۸۸.

- ۸) فرجادی، غلامعلی، درآمدی بر نظریه های رشد و توسعه اقتصادی، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۰.
- ۹) گجراتی، دامودار، مبانی اقتصادسنجی، حمید ابریشمی، جلد(۱) و(۲)، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- ۱۰) گوگرد چیان، احمد، طیبی، سید کمیل، بررسی عوامل موثر بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در صنایع پتروشیمی ایران به روش داده‌های تابلویی، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی، سال هشتم، شماره ۲۶، صص(۲۰۳-۱۸۱)، بهار ۱۳۸۵.
- ۱۱) مایر، م، جرالده، از اقتصاد کلاسیک تا اقتصاد توسعه، ترجمه: غلامرضا آزاد ارمکی، تهران، نشر میترا، ۱۳۷۵.
- 12) Constantina , Kottaridi , Thansis ,Stengos,(2010), Foreign Direct Investment , Human Capital and Non- linearities in Economic Growth, Journal of Macroeconomics 32(2010)858-871
- 13) Christiansen, Hans and et al, 2003, Incentive –Based Competition for Forigen Direct Investment , The case of Brazil , OECD Secretariat .
- 14) Durham,K.B.(2004), Absorptive Capacity and The Effects of Foreign Direct Investment and Foreign Portfolio Investment on Economics Growth, European Economics Review 48,285-306.
- 15) Ericsson,Johan,Irandost,Manuchehr,(2001),on the causlity between Foreign Direct Investment and Outpot: A Comparative study , The International Trade Journal,Volume xv,no.1.
- 16) J. June . 1989,Tax Policy and International Direct Investment , Working Paper No.3048,Cambridge:National Bureau of Economic Research .
- 17) 17) International Monetary Fund, Foreign Direct Investment, w p/90/63
- 18) Kathuria ,V,(2001), Foreign Firms, Technology Transfer and Knowledge Spillovers to Indian Manufacturing Firms: A stochastic frontier analysis.Applied Economics 33,625-642.
- 19) Kojima,k,(1973),A Macroeconomic Approach to FDI , Hitotusbashi Journal of Economics,vol.14.
- 20) Liu,X and et al, (2001), En dogenous Innvoation Growth Theory and Regional Income Convergence in China,Journal of International Development,13(2).
- 21) Lucas,R.E,JR. (1990), Why Dosent Capital Flow From Rich to Poor Countries,American Economic Review,pp 80,92-96
- 22) O.I. Williamson,(1975) ,Marketsand Hierarchies. Analysis and Antitrust Implications :A study in the Economics of Internet Organization, New Yourk : Free press.
- 23) Swain,N.J , Wang,Z ,(1997), Determinants of inflow of foreign direct investment in Hungry and China: time-series approach,Journal of International Development,9(5)

- 24) Zhang, Kevin H,(2006), FDI and host countries, exports :the case of china, international economics,lviv(1):50-55